



نظم نوین تجارت

بازآرایی قدرت‌های جهانی چه تأثیری بر زنجیره‌های تأمین، بازارهای انرژی، قیمت‌ها و جایگاه ایران در اقتصاد بین‌الملل خواهد داشت؟



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

اقتصادسنج ۲۱

معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
خرداد ۱۴۰۵

سردبیر:

دیاکوحسینی

دبیر تحریریه:

فاطمه علیزاده آغ‌اسمعیلی

تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

فاروق شیحکی، مریم‌السادات علم‌الهدی، شراره کامرانی

مریم کاظمی، نگین گودرزی، حامد نویدی

طراحی و اجرا:

رسانه رویداد پارسی

اداستان جلد شماره ۱۲۱

نظم نوین تجارت

بازآرایی قدرت‌های جهانی چه تأثیری بر زنجیره‌های
تأمین، بازارهای انرژی، قیمت‌ها و جایگاه ایران در
اقتصاد بین‌الملل خواهد داشت؟



تنش‌های ژئوپلیتیکی اقتصاد جهان را به چه سمتی می‌برند و پیامدهای آن چیست؟

۴

تغییر ماهیت همکاری‌های جهانی چه معنایی برای مسیر جهانی شدن دارد؟

تغییر موازنه قدرت چه اثری بر شیوه‌های همکاری‌های بین‌المللی داشته است؟

تنش‌های ژئوپلیتیکی چه تغییری در هندسه قدرت جهانی ایجاد می‌کنند؟

سطح و نوع موانع دسترسی به بازارهای بین‌المللی به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر مزیت رقابتی چه تغییری کرده است؟

تحول الگوی جهانی شدن چه الزامی برای دستیابی به مزیت رقابتی پایدار ایجاد کرده است؟

تداوم موانع تجاری و اقتصادی چه تصویری از آزادی اقتصادی کشور ترسیم می‌کنند؟

اختلال در شبکه حمل و نقل دریایی چگونه به انتقال شوک‌های تجاری به بازار انرژی و مواد اولیه منجر می‌شود؟

با محدودیت‌های ناشی از کاهش آزادی فعالیت‌های اقتصادی جایگاه کشور در شبکه حمل و نقل دریایی چگونه است؟

چگونه نااطمینانی‌های ژئوپلیتیکی در رفتار تجارت الکترونیک منعکس می‌شود؟

شوک‌های قیمتی پس از اثرگذاری بر بازار غذا، چگونه به سایر بخش‌های مصرفی، به‌ویژه کالاهای بادوام منتقل می‌شود؟

شوک‌های قیمت انرژی چه اثری بر بازار کالاهای کشاورزی و غذایی اثر دارد؟

فهرست مطالب

تحولات نظم جهانی

جهان در میانه جابه‌جایی قدرت
تغییر الگوی همکاری جهانی در سال ۲۰۲۴
ادامه جهانی شدن در سایه همسویی ژئوپلیتیکی
از بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی تا مزیت رقابتی پایدار



ساختار تجارت جهانی و موانع نهادی

سلطه موانع غیر تعرفه‌ای بر تجارت جهانی
نقش مداخلات دولتی در تضعیف آزادی اقتصادی



لجستیک، انرژی و زیرساخت‌های جریان کالا

تضعیف جایگاه ایران در شاخص اتصال کشتیرانی منظم (LSCI)
از شوک‌های نفتی تا جهش قیمت پلاستیک؛ همگرایی هزینه‌های انرژی و مواد اولیه



شاخص‌های قیمت

روند رو به رشد قیمت جهانی غلات زنگ هشدار برای امنیت غذایی
جنگ چگونه تورم را به کالاهای بادوام رساند؟



اقتصاد دیجیتال و تحول فناوری

اثر شوک‌های ژئوپلیتیکی بر عملکرد تجارت الکترونیک

برداشت اول

تجارت جهانی در سالیان گذشته بیش از هر امر دیگری متأثر از دگرگونی‌های ژئوپلیتیکی و در قلب آن، جابه‌جایی مراکز قدرت جهانی بوده است؛ حرکتی پر فراز و فرود از بی‌میلی و ناتوانی ایالات متحده در ادامه سروری جهانی گرفته تا خیزش قدرت‌های جدید و اغلب در کرانه‌های قاره‌ای اوراسیا که اکنون به نظر می‌رسد که نه تنها ایالات متحده را در نوآوری، فناوری، امور نظامی و شبکه‌های تجاری به چالش گرفته‌اند بلکه به همان نسبت ایالات متحده نیز حاضر به پذیرش از دست دادن چیرگی خود در رویارویی با آنها نیست. در میانه این تکاپو، آنچه جهانی شدن نامیده شده، سرنوشتی منحصر به فرد را تجربه می‌کند؛ نه گسست و شکست کامل، آنگونه که ملی‌گرایان و احزاب دست راست در آمریکا، اروپا و آسیا انتظار دارند و نه پیوستگی و تداومی که لیبرال‌ها و هواداران دنیای بدون مرز وعده داده‌اند. بازیگران جهانی چه دولت باشند یا بازیگران غیردولتی، همچنان از تجارت فرامرزی منتفع می‌شوند اما نه در زمین پاداش همکاری‌های تجاری می‌تواند به توزیع مزیت‌های رقابتی در زمین بازی ژئوپلیتیک به زیان آنها عمل کند.

این پدیده را که می‌توان «جهانی شدن گزینشی» نام نهاد از این منظر ساده پیروی می‌کند که همکاری‌های بین‌المللی تا آنجا مورد استقبال قرار می‌گیرند که بر موازنه‌های سیاسی میان کشورها اثر تعیین‌کننده‌ای بر جای نگذارند. پدیداری زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و تعقیب استراتژی دوست‌سپاری محصول در پیش گرفتن احتیاط دولت‌ها و به منظور کاستن از ضریب عدم قطعیت در محیط صنعتی و تجاری است و احتمالاً تا یک دهه آتی یا بیشتر همچنان محبوب خواهد ماند. با این حال، اقتصاد جهانی چنان در هم تنیده که به سختی می‌توان در بلندمدت، مجمع‌الجزایری از مناطق دور و مستقل از هم را پیش‌بینی‌کننده رشد اقتصاد و تجارت بین‌المللی تصور کرد. چنانکه بحران در تنگه هرمز آشکار کرد، بالا رفتن تنش در یک نقطه از جهان به آسانی می‌تواند امنیت اقتصادی را در گوشه‌های دیگر تهدید کند؛ زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای آنطور که گمان می‌رود، محصور در مناطق معین نیستند. نه تنها زنجیره‌های تامین، بلکه سرمایه‌گذاری و تجارت به طرز بی‌سابقه‌ای تسلیحاتی شده و دولت‌ها بدون کمترین تردیدی آماده‌اند که از مزیت‌های خود در این قلمروها برای تحمیل اراده به رقبایشان استفاده کنند. روند افزایش تحریم‌ها در قرن بیست و یکم جهانی شده و تعداد محدودیت‌های تجاری بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴ بیش از سه برابر شده است. جنگ اقتصادی منجر به تکه‌تکه شدن ژئواکونومیک در سیستم مالی، بازارهای انرژی، بخش فناوری و زنجیره‌های تامین صنعتی شده است. به این ترتیب، موانع غیرتعرفه‌ای در تجارت چیزی بیش از قوانین و مقررات برای حمایت از کالاهای تولید داخلی است بلکه شامل رویکردهای تهاجمی به منظور تبدیل کردن تجارت به اسلحه‌های نیرومند برای وادار کردن دیگران هم هست. در حالیکه هیچ کشوری به تنهایی نمی‌تواند این وضعیت را تغییر دهد، پایش اثرات و پویایی‌های این روندهای کلان برای نه تنها دولت‌ها بلکه فعالان اقتصادی، حاوی چشم‌اندازهای تازه‌ای است که به آنها اجازه خواهد داد با چشمانی بازتر درباره کسب و کار خود ببینند. اقتصادسنج در این شماره، مروری است بر این روندهای فراگیر و گزیده‌ای از داده‌ها و آمارهایی که نشان می‌دهند چگونه افزایش شتاب ژئوپلیتیک بر زندگی اقتصادی در دنیای ما اثرگذار است.



جهان در میانه جابه جایی قدرت

برابر شدن شمار قدرت‌های نوظهور، بیانگر گسترش مراکز اثرگذاری در نظام بین‌الملل است.

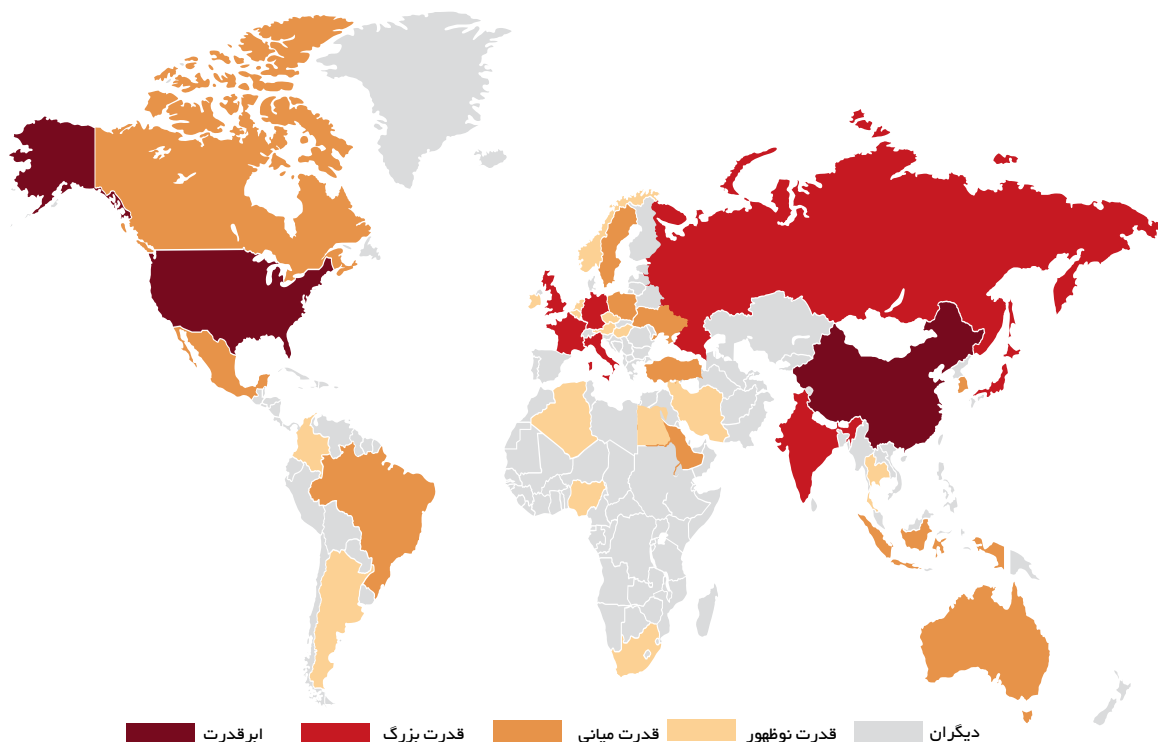
بر اساس این گزارش، ایالات متحده آمریکا و چین همچنان دو قدرت اصلی نظام بین‌الملل اند، اما از سال ۲۰۱۵ به بعد روند گسترش نفوذ جهانی آن‌ها با کندی مواجه شده و وزن نسبی قدرت‌های میانی در ساختار توزیع قدرت افزایش یافته است. این تغییر هم‌زمان با کاهش سهم اقتصادی و محدودیت‌های رشد در برخی قدرت‌های بزرگ و در مقابل، رشد پایدار قدرت‌های میانی و کاهش فاصله آن‌ها با قدرت‌های بزرگ از نظر ظرفیت اقتصادی رخ داده است.

افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی و تشدید رقابت میان قدرت‌های بزرگ، به تغییر تدریجی نظم بین‌الملل و حرکت آن به سمت توزیع گسترده‌تر قدرت منجر شده است؛ روندی که در آن سهم قدرت‌های بزرگ سنتی به تدریج کاهش یافته و در مقابل، قدرت‌های میانی و نوظهور نقش پررنگ‌تری در معادلات جهانی پیدا کرده‌اند.

موسسه اقتصاد و صلح (Institute for Economics and Peace (IEP)) به‌عنوان یکی از مراجع داده‌محور در حوزه سنجش صلح، امنیت و ثبات جهانی، در تازه‌ترین گزارش خود (۲۰۲۶)، نشان می‌دهد که افزایش تعداد قدرت‌های میانی از ۹ کشور در سال ۱۹۹۱ به ۱۶ کشور در سال ۲۰۲۴ و سه



نقشه جهانی کشورها بر حسب جایگاه قدرت



V

در سطح جهانی، توزیع قدرت نامتوازن است:

در میان مناطق مختلف جهان، جنوب صحرای آفریقا از پایین‌ترین سطح تمرکز کشورهای دارای قدرت و نفوذ در نظام بین‌الملل برخوردار است.

در سطح قدرت‌های بزرگ نیز کشورهایی همچون فرانسه، آلمان، هند، ایتالیا، ژاپن، روسیه و بریتانیا قرار می‌گیرند.

کشورهای اندونزی، ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و برزیل در دسته قدرت‌های میانی جای گرفته‌اند که به دلیل رشد اقتصادی و افزایش نقش آفرینی بین‌المللی و توانمندی‌های فناورانه اثرگذاری بیشتری بر تجارت جهانی و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی پیدا کرده‌اند.

ایران نیز به دلیل برخورداری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و توان اثرگذاری بر تحولات سیاسی پیرامونی، در زمره قدرت‌های نوظهور قرار می‌گیرد.



نظام بین‌الملل در حال گذار بوده و در این روند، نقش قدرت‌های میانی بیش از گذشته پررنگ شده است. برای ایران، گذار کنونی نظام جهانی به معنای فرصت و چالش توأمان است. از یک‌سو ظرفیت چانه‌زنی کشور به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی در حال افزایش است و از سوی دیگر فشارهای غرب و تداوم بی‌ثباتی در محیط پیرامونی ادامه دارد. در چنین شرایطی، ارتقای جایگاه راهبردی ایران در نظام جهانی مستلزم بهره‌گیری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، تنوع‌بخشی به روابط خارجی، گسترش تعامل با قدرت‌های میانه و نوظهور است؛ رویکردی که می‌تواند از طریق نقش آفرینی مؤثر در نهادهایی مانند بریکس، سازمان همکاری شانگهای و کریدورهای ترانزیتی دنبال شود. آینده نه محصول توافق قدرت‌های بزرگ، بلکه نتیجه رقابت اقتصادی و شکل‌گیری موازنه‌های جدید ژئوپلیتیکی است؛ آینده‌ای که در آن ایران می‌تواند با بهره‌مندی از فرصت‌ها، یکی از بازیگران تاثیرگذار و نه منفعل باشد.

“



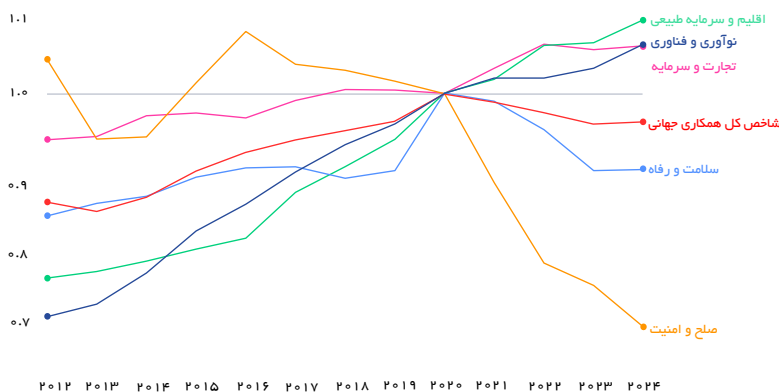
تغییر الگوی همکاری جهانی در سال ۲۰۲۶

رقابت‌های ژئوپلیتیکی، افزایش موانع تجاری و گسترش منازعات منطقه‌ای، سطح کلی همکاری جهانی همچنان حفظ شده است اما ماهیت و سازوکارهای آن دستخوش تغییرات مهمی شده‌اند. شاخص همکاری جهانی از پنج مولفه؛ تجارت و سرمایه، نوآوری و فناوری، اقلیم و سرمایه طبیعی، سلامت و رفاه، صلح و امنیت تشکیل شده است. این شاخص بر پایه داده‌های نرمال‌سازی شده و شاخص‌بندی شده با سال پایه ۲۰۲۰ (۱=۲۰۲۰) محاسبه شده است. سطح هر مؤلفه تغییرات نسبی آن را نسبت به سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد؛ به طوری که مقادیر بالاتر از ۱ بیانگر افزایش و مقادیر کمتر از ۱ نشان‌دهنده کاهش سطح همکاری هستند.



بازتوزیع قدرت در نظام جهانی تنها به تغییر وزن بازیگران اصلی محدود نمانده، بلکه به تدریج سازوکارهای همکاری بین‌المللی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در شرایطی که قدرت میان طیف گسترده‌تری از بازیگران توزیع می‌شود، الگوهای همکاری نیز از حالت فراگیر و یکپارچه به سمت اشکال متنوع‌تر و موضوع‌محور در حال حرکت است. شاخص سنجش همکاری جهانی ۲۰۲۶ (Global Cooperation Index) که توسط مجمع جهانی اقتصاد (World Economic Forum) منتشر شده است، تصویری متفاوت از وضعیت همکاری‌های بین‌المللی را ارائه می‌دهد. برخلاف تصور رایج مبنی بر افول کامل همکاری جهانی در سایه تشدید

روند تغییرات مولفه‌های شاخص همکاری جهانی طی یک دهه اخیر



مولفه تجارت و سرمایه، همکاری بین‌المللی را از طریق جریان کالاها و خدمات، تجارت، سرمایه و نیروی انسانی مورد بررسی قرار می‌دهد که به‌طور کلی در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴ در وضعیت نسبتاً پایداری قرار داشته است. با این حال، در پس این ثبات، تحولات مهمی در جریان است. جریان خدمات و سرمایه همچنان روندی صعودی داشته‌اند، اما حجم کلی تجارت کالا با موانع و فشارهای فزاینده‌ای مواجه شده است.

مولفه نوآوری و فناوری، به بررسی آن جنبه‌هایی از همکاری جهانی می‌پردازد که نوآوری و پیشرفت‌های فناورانه را تسریع کنند. این مولفه از شاخص همکاری نسبت به سال گذشته ۳ درصد افزایش یافته است که عمدتاً به دلیل افزایش جریان داده‌ها و تجارت کالاها و خدمات مرتبط با فناوری اطلاعات بوده است.

مولفه اقلیم و سرمایه طبیعی، به همکاری جهانی برای کاهش آلودگی، حفاظت از منابع طبیعی و مقابله با تغییرات اقلیمی می‌پردازد. با وجود رشد همکاری‌ها در این حوزه از جمله

کاهش ناشی از افزایش درگیری‌ها و خسارات انسانی است. مولفه سلامت و رفاه، همکاری جهانی را در حوزه سلامت و بهزیستی می‌سنجد. همکاری‌ها در این حوزه طی سال‌های اخیر تقریباً ثابت باقی مانده است. اما جریان کمک‌های جهانی سلامت به‌طور قابل توجهی (۱۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵) کاهش یافته است و می‌تواند در صورت بروز بحران‌های جدید، سطح آمادگی و تاب‌آوری نظام‌های سلامت کشورها را تضعیف کند.

افزایش انرژی‌های تجدیدپذیر، این پیشرفت هنوز برای رسیدن به اهداف توافق پاریس کافی نیست. بنابراین همکاری جهانی در این حوزه باید گسترده‌تر و مؤثرتر شود. مولفه صلح و امنیت، تأثیر همکاری جهانی در پیشگیری از منازعات ژئوپلیتیکی و حل آن‌ها را بررسی می‌کند. این مولفه در مقایسه با سایر حوزه‌ها بیشترین افت در سطح همکاری را داشته و در سال ۲۰۲۴ پایین‌تر از سطح پیش از همه‌گیری کووید-۱۹ قرار گرفته است. این

ماهیت همکاری در جهان امروز بیش از آنکه بر گسترش دامنه روابط استوار باشد، بر انتخاب هدفمند همکاری‌ها و تمرکز بر حوزه‌های دارای منافع مشترک شکل گرفته است. در چنین شرایطی، تمرکز بر حوزه‌هایی که همچنان ظرفیت هم‌گرایی دارند به‌ویژه فناوری، انرژی، تجارت خدمات و زیرساخت‌های منطقه‌ای اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. بر این اساس، سیاست خارجی ایران نیازمند تغییر جهت از حضور پراکنده به سمت تمرکز بر همکاری‌های اولویت‌دار و قابل تبدیل به منافع اقتصادی و فناورانه است؛ به طوری که به‌جای گسترش غیرهدفمند روابط بین‌الملل، انتخاب شرکای هم‌راستا با منافع کشور و اتصال هدفمند به شبکه‌های فعال جهانی در اولویت قرار گیرد.

۶۶



ادامه جهانی شدن در سایه همسویی ژئوپلیتیکی

مبنی بر حرکت اقتصاد جهانی به سمت واگرایی و کاهش شدت تجارت بین‌المللی، تجارت کالای جهان علی‌رغم شوک‌های متعدد (همه‌گیری کرونا، تنش‌های ژئوپلیتیکی و...) همچنان روندی باثبات و رو به رشد داشته است. بر اساس آمار سازمان تجارت بین‌المللی (International Trade Centre (ITC)) تجارت کالای جهان طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵ به‌طور متوسط حدود ۵ درصد رشد داشته است.



یکی از پیامدهای مهم تحول در ماهیت همکاری‌های جهانی، تغییر جهت و سازمان‌دهی مجدد زنجیره‌های تأمین جهانی است. در شرایطی که ریسک‌های ژئوپلیتیکی تشدید شده و سطح بی‌اعتمادی میان کشورها افزایش یافته است، تجارت بنگاه‌ها و دولت‌ها به سمت کشورهای همسو متمایل شده است؛ فرایندی که با عنوان دوست‌سپاری (Friend-shoring) شناخته می‌شود. برخلاف برخی پیش‌بینی‌های اخیر

ارزش تجارت کالا در جهان



۱۷.۶ ۲۵.۶

تریلیون دلار

تریلیون دلار

سال ۲۰۱۷

سال ۲۰۲۵



رشد تجارت الزاماً به معنای تداوم الگوی پیشین جهانی شدن نیست. در حالی که فاصله جغرافیایی تجارت در سال ۲۰۲۵ حدود ۰.۳ درصد رشد داشته است، فاصله ژئوپلیتیکی تجارت روندی معکوس را تجربه کرده و حدود ۱.۲ درصد کاهش داشته است. این بدان معناست که اگرچه کالاها همچنان مسافت‌های طولانی را طی می‌کنند، اما مقصد آن‌ها بیش از گذشته کشورهایی است که از منظر سیاسی، امنیتی و راهبردی به یکدیگر نزدیک‌ترند. داده‌های تجارت جهانی نه از فروپاشی جهانی شدن، بلکه از بازاریابی آن حکایت دارند. تجارت جهانی همچنان در حال گسترش بوده و رویکرد تجارت جهانی از مدل نزدیک‌ترین منبع به سمت مدل امن‌ترین متحد تغییر کرده است.

شاخص‌های تجارت کالا (برآورد سالانه)



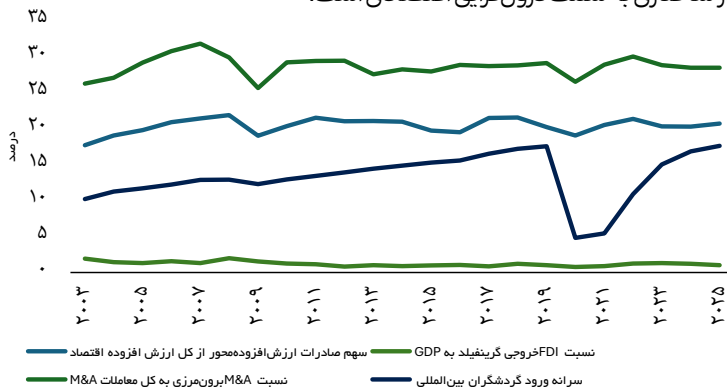
منظور از فاصله جغرافیایی تجارت، میانگین فاصله بین کشورهای مبدأ و مقصد کالاهای تجاری است. میانگین فاصله ژئوپلیتیکی میان شرکای تجاری (مقیاس ۱۰ تا ۱۰۰) میزان تفاوت کشورها از نظر مواضع سیاسی، دیپلماتیک و راهبردی را نشان می‌دهد؛ به طوری که هر چه بیانگر همسویی کامل ژئوپلیتیکی و نشان‌دهنده بیشترین میزان واگرایی و ناهم‌سویی سیاسی است. حرف E مخفف Estimate (برآورد) است. یعنی مقدار سال ۲۰۲۵ هنوز نهایی نشده و برآورد تخمینی است.



تجارت، سرمایه، اطلاعات و جابه‌جایی افراد در سطح جهانی اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص نشان می‌دهد هر کشور تا چه حد در اقتصاد جهانی ادغام شده و ارتباطاتش جهانی است یا بیشتر محدود به سطح منطقه‌ای و داخلی مانده است.

شاخص اتصال جهانی DHL که توسط شرکت DHL Group از بزرگترین شرکت‌های حوزه لجستیک آلمانی با همکاری دانشکده کسب‌وکار استرن دانشگاه نیویورک (NYU Stern School of Business) منتشر می‌شود، ابزاری است که میزان و شدت ارتباط کشورها را از طریق جریان‌های

با وجود افزایش تنش‌ها و نوسانات ژئوپلیتیکی، روند جهانی شدن در حوزه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری و جابه‌جایی نیروی انسانی همچنان پایدار و مقاوم ادامه دارد. در حوزه تجارت بین‌الملل، حدود ۲۱ درصد از ارزش کل تولید جهانی طی سال ۲۰۲۵ همچنان از طریق مبادلات فرامرزی انجام می‌شود؛ سطحی که نزدیک به مقادیر اوج تاریخی است. در بخش سرمایه‌گذاری نیز سهم معاملات فرامرزی در ادغام و تملک (M&A) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در سطحی باثبات و همسو با میانگین بلندمدت تثبیت شده است. در کنار این روندها، احیای سفرهای بین‌المللی پس از کووید-۱۹ نیز نشان‌دهنده بازگشت جریان‌های جابه‌جایی انسان به سطوح پیش از بحران است. مجموعه این عوامل نشان‌دهنده عدم وجود شواهدی از یک گذار ساختاری به سمت درون‌گرایی اقتصادی است.



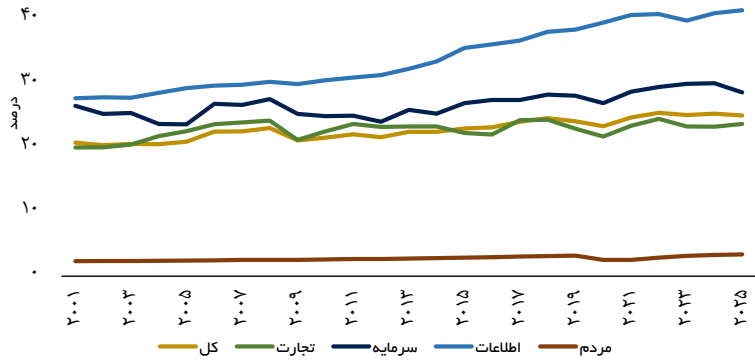
روند تغییرات جریان‌های فرامرزی در ابعاد مختلف جهانی سازی

گرینفیلد به تولید ناخالص داخلی: شاخصی که میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های داخلی در ایجاد پروژه‌های جدید در خارج از کشور را نسبت به

نسبت FDI خروجی گرینفیلد به تولید ناخالص داخلی: شاخصی که میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های داخلی در ایجاد پروژه‌های جدید در خارج از کشور را نسبت به اندازه اقتصاد ملی نشان می‌دهد و بیانگر سطح حضور بین‌المللی بنگاه‌هاست. سهم صادرات ارزش افزوده محور از کل اقتصاد: شاخصی که میزان ارزش افزوده ایجاد شده در داخل کشور از محل صادرات کالاها و خدمات را نسبت به اندازه اقتصاد نشان می‌دهد و بیانگر نقش تولید داخلی در خلق ارزش صادراتی و میزان مشارکت کشور در زنجیره‌های ارزش جهانی است. سرانه ورود گردشگران بین‌المللی: تعداد گردشگران ورودی خارجی به کشور نسبت به جمعیت کل که نشان‌دهنده میزان جذب گردشگر بین‌المللی در یک کشور است. نسبت M&A برون‌مرزی به کل معاملات M&A: سهم معاملات ادغام و تملیک فرامرزی (خرید یا ادغام شرکت‌های خارجی توسط بنگاه‌های داخلی) از کل معاملات ادغام و تملیک که نشان‌دهنده میزان حضور و گسترش فعالیت شرکت‌های داخلی در بازارهای بین‌المللی است.



جهانی‌سازی در تمامی ابعاد اصلی خود ادامه داشته است با این حال پدیده‌های همگن و یکنواخت نیست. جریان‌های اطلاعاتی بالاترین سطح جهانی شدن را به خود اختصاص داده‌اند، زیرا فرآیند دیجیتالی شدن محدودیت‌های ناشی از فاصله و مرزهای جغرافیایی را تا حد زیادی کاهش داده است. جریان‌های سرمایه و تجارت در سطحی پایین‌تر اما نسبتاً پایدار در فرآیند جهانی شدن قرار داشته‌اند و جریان‌های انسانی علی‌رغم بازیابی پس از همه‌گیری کووید-۱۹، کمترین سطح جهانی شدن را نشان می‌دهند. در مجموع، داده‌ها نشان می‌دهند که جهانی‌سازی همچنان به مسیر خود ادامه می‌دهد و تاکنون نشانه‌ای از تضعیف آن مشاهده نشده است.



روند ابعاد جهانی شدن در شاخص اتصال جهانی (DHL)

این شاخص به صورت یک مقیاس نرمال شده از ۱ تا ۱۰۰ تعریف شده است؛ به گونه‌ای که مقدار صفر بیانگر نبود جریان‌های فرامرزی و عدم تبادل میان کشورها و مقدار ۱۰۰ نشان‌دهنده وضعیت ایده‌آل بدون اثرگذاری مرزهای ملی و فاصله جغرافیایی بر جریان‌های بین‌المللی است.



علی‌رغم تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی و گسترش گفتمان افول جهانی‌سازی، شواهد حاکی از تداوم و تاب‌آوری پیوندهای فرامرزی است. با این حال، جهانی‌سازی در حال تجربه نوعی تغییر الگو است؛ به گونه‌ای که روابط تجاری و سرمایه‌گذاری بیش از گذشته میان کشورهای شکلی می‌گیرد که از نظر سیاسی و راهبردی همسوتر هستند. در چنین شرایطی، موفقیت کشورها و بنگاه‌ها بیش از هر زمان دیگری به توانایی آن‌ها در حفظ ارتباط با اقتصاد جهانی، تنوع‌بخشی به شرکای تجاری و بهره‌گیری از فرصت‌های جدید ناشی از همسویی‌های ژئوپلیتیکی وابسته خواهد بود.



از بی ثباتی ژئوپلیتیکی تا مزیت رقابتی پایدار

واگرایی و کاهش شدت تجارت بین‌المللی، تجارت کالایی جهان علی‌رغم شوک‌های متعدد (همه‌گیری کرونا، تنش‌های ژئوپلیتیکی و...)، همچنان روندی با ثبات و رو به رشد داشته است. بر اساس آمار سازمان تجارت بین‌المللی (International Trade Centre (ITC)) تجارت کالایی جهان طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵ به‌طور متوسط حدود ۵ درصد رشد داشته است.

یکی از پیامدهای مهم تحول در ماهیت همکاری‌های جهانی، تغییر جهت و سازمان‌دهی مجدد زنجیره‌های تأمین جهانی است. در شرایطی که ریسک‌های ژئوپلیتیکی تشدید شده و سطح بی‌اعتمادی میان کشورها افزایش یافته است، تجارت بنگاه‌ها و دولت‌ها به سمت کشورهای همسایه متمایل شده است؛ فرایندی که با عنوان دوست‌سپاری (Friend-shoring) شناخته می‌شود. برخلاف برخی پیش‌بینی‌های اخیر مبنی بر حرکت اقتصاد جهانی به سمت

شناسایی کریدورهای تجاری اولویت‌دار و کانون‌های رشد

بازآرایی تجارت جهانی مستلزم اولویت‌بندی کریدورهای تجاری بر اساس میزان تاب‌آوری و ظرفیت رشد آن‌ها در برابر تحولات ژئوپلیتیکی، همراه با توجه به مسیرهای خلق و انتقال ارزش در زنجیره‌های تأمین جهانی است. تمرکز بر کانون‌های رشد و کاهش مواجهه با بازارهای پرریسک، همراه با سازوکارهای چابک ورود به بازار، پیش‌شرط تبدیل تحولات تجاری به مزیت رقابتی پایدار است.

گام اول



گام دوم



گام سوم



گام چهارم



گام پنجم

تقویت تاب‌آوری عملیاتی

تقویت تاب‌آوری عملیاتی در محیط ژئوپلیتیکی مستلزم توازن میان مزایای فعالیت در سطح جهانی و ریسک‌های آن است. در این راستا تنوع‌بخشی به زنجیره تأمین، انعطاف‌پذیری نیروی انسانی و بهینه‌سازی منطقه‌ای زیرساخت‌های فناوری برای کاهش تمرکز ریسک و وابستگی‌های فرامرزی ضروری است.

مدیریت مواجهه درآمدهای کوتاه‌مدت با ریسک‌های ژئوپلیتیکی

در مواجهه با افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی، شرکت‌ها باید هزینه‌های تجاری، قیمت محصولات و ریسک نوسان ارز را به‌صورت انعطاف‌پذیر مدیریت کنند تا از کاهش سود جلوگیری شود. این امر مستلزم هم‌راستاسازی قیمت‌ها با ریسک‌های ژئوپلیتیکی و تقویت ابزارهای پوشش ارزی است.

تخصیص راهبردی سرمایه

تخصیص سرمایه از منطق تولید به موقع به سمت انعطاف‌پذیری شبکه تولید و بهره‌گیری از مشوق‌های صنعتی (یارانه‌ها، معافیت‌های مالیاتی و...) در محیط ژئوپلیتیکی در حال تحول، تغییر یافته است. به‌طوریکه استقرار در موقعیت‌های تاب‌آور و استفاده از مشوق‌های صنعتی، به یک ضرورت راهبردی تبدیل شده است.

گسترش چابکی سازمانی و آینده‌نگری

گسترش چابکی سازمانی و آینده‌نگری راهبردی از طریق سنجش مستمر ریسک‌های ژئوپلیتیکی، طراحی مجدد ساختارهای سازمانی و تقویت سازوکارهای تصمیم‌گیری، ظرفیت بنگاه‌ها را برای واکنش سریع به عدم قطعیت‌ها افزایش می‌دهد. همچنین، ایجاد واحدهای پیش ژئوپلیتیک و سازوکارهای مدیریت بحران، زمینه‌ساز کاهش ریسک‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌های نوظهور است.

در شرایط تنش‌های ژئوپلیتیکی که با اختلال در زنجیره‌های تأمین، محدودیت‌های مالی و افزایش عدم قطعیت‌های اقتصادی همراه است، بخش خصوصی کشور باید بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی را نه فقط به‌عنوان یک تهدید، بلکه مانند محرکی برای تحول ساختاری، ارتقای تاب‌آوری و تقویت جایگاه رقابتی مورد توجه قرار دهد. تحقق این هدف مستلزم بهره‌گیری از پنج گام فوق و گذار از الگوهای سنتی مدیریت به سمت سازمان‌های چابک و یادگیرنده است که توان تطبیق سریع با تغییرات محیطی، تصمیم‌گیری مؤثر در شرایط عدم قطعیت و تخصیص پویا منابع متناسب با شرایط جدید را داشته باشند. بر این اساس، بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند نه تنها اثرات منفی بی‌ثباتی را مدیریت کنند، بلکه از برخی تغییرات ساختاری در محیط بین‌الملل برای تقویت موقعیت رقابتی و خلق فرصت‌های جدید بهره‌برداری کنند.

“



سایه‌موانع غیر تعرفه‌ای بر تجارت جهانی



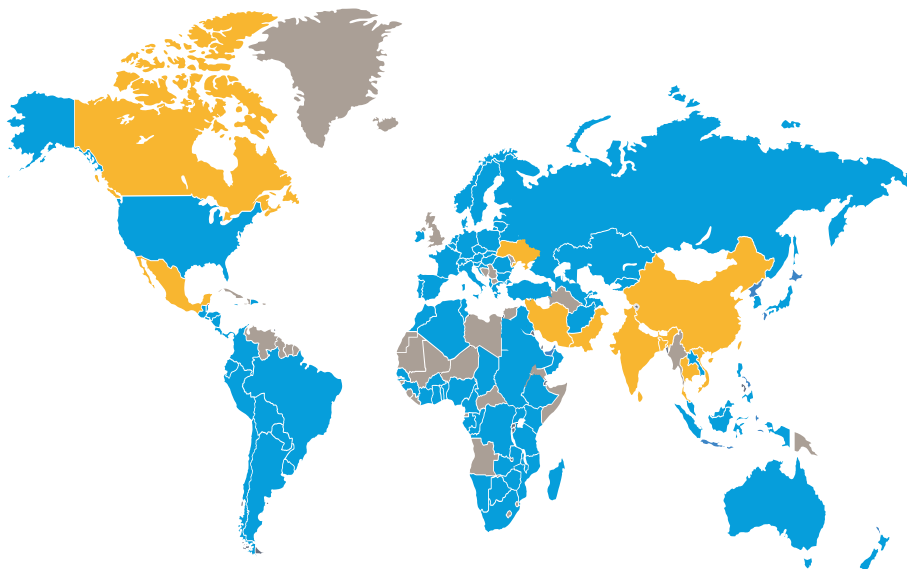
در تجارت بین‌الملل، اقدامات غیر تعرفه‌ای اقدامات سیاستی غیر از تعرفه‌ها مانند الزامات صدور مجوز واردات، سهمیه‌ها، ممنوعیت‌های واردات و صادرات هستند که می‌توانند به‌طور بالقوه تأثیر اقتصادی بر تجارت بین‌المللی کالاها داشته باشند. این اقدامات با تعیین اینکه چه کسی تجارت می‌کند، چه چیزی معامله می‌شود و به کدام بازارها می‌رود، تجارت را شکل می‌دهند.



یکی از عوامل اثرگذار بر مزیت رقابتی در جریان تحولات تجارت جهانی و افزایش ضرورت انطباق کریدورها و زنجیره‌های تأمین با ریسک‌های ژئوپلیتیکی، تغییر در سطح و نوع موانع دسترسی به بازارها است. در این میان، گسترش موانع غیرتعرفه‌ای (Non-Tariff Measures (NTMs)) به‌طور فزاینده‌ای بر هزینه‌های تجارت، سطح ریسک و الگوهای ورود به بازار اثر می‌گذارد.

مقایسه هزینه‌های اعمال شده بر صادرات کالا در اقتصادهای جهان

- تعرفه‌ها غالب هستند
- اقدامات غیرتعرفه‌ای غالب هستند
- فاقد داده‌ای در دسترس

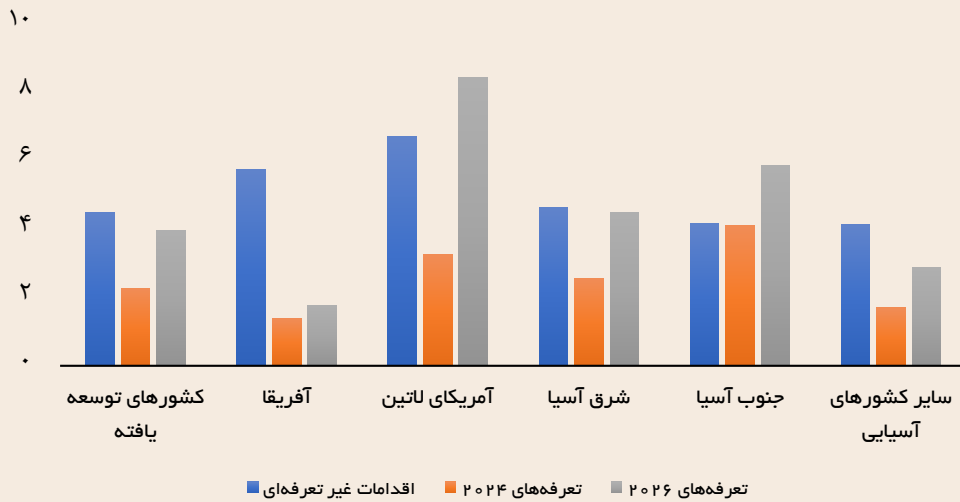


بر کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته تحمیل می‌شود. این کشورها به دلیل دشواری در انطباق با این الزامات، بخشی از ظرفیت صادراتی خود را از دست می‌دهند و در برخی موارد هم‌زمان با تعرفه‌های بالا، با هزینه‌های قابل توجه اقدامات غیرتعرفه‌ای نیز مواجه هستند. در ایران نیز، تعرفه‌ها نسبت به اقدامات غیرتعرفه‌ای غالب هستند.

اگرچه در سال ۲۰۲۵، تعرفه‌های جهانی صادرات به طور قابل توجهی (۱۰ درصد برای کشورهای توسعه‌یافته، ۱۶ درصد برای کشورهای در حال توسعه و ۱۸ درصد برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته) افزایش یافت با این حال، NTMs هزینه‌های بالاتری را برای صادرات ۸۸ درصد از کشورهای تحمیل می‌کنند. هزینه‌های ناشی از اقدامات غیرتعرفه‌ای عمدتاً

میانگین وزنی هزینه‌های تجاری صادرات کالا - درصد

برای هزینه اقدامات غیر تعرفه‌ای معادل سازی با نرخ تعرفه‌ها صورت گرفته است.



از منظر هزینه‌های تجاری صادرات کالا، افزایش اخیر تعرفه‌ها، کشورهای جهان را به طور نامتوازن تحت تأثیر قرار داده است. افزایش تعرفه‌ای که بر صادرات کشورهای توسعه یافته اعمال می‌شود، همچنان کمتر از افزایش تعرفه‌ای است که کشورهای شرق آسیا، جنوب آسیا و به ویژه آمریکای لاتین با آن مواجه هستند.

دوراهکار برای کاهش

بار هزینه‌های NTM ها در سطح بین الملل

۱۳

۲

ارتقای همکاری نظارتی اقدامی برای کاهش هزینه‌های غیر ضروری

تفاوت در مقررات بین کشورها، هزینه‌های تولیدکنندگان و بازرگانان را افزایش می‌دهد. همکاری نظارتی که در آن کشورها قوانین داخلی خود را با یکدیگر یا با استانداردهای بین‌المللی هماهنگ می‌کنند، می‌تواند هزینه‌های مرتبط با NTM ها را بین ۱۵ تا ۳۰ درصد کاهش دهد.

۱

بهبود شفافیت در سطح بین الملل با توسعه پلتفرم‌های آماری و اطلاعاتی

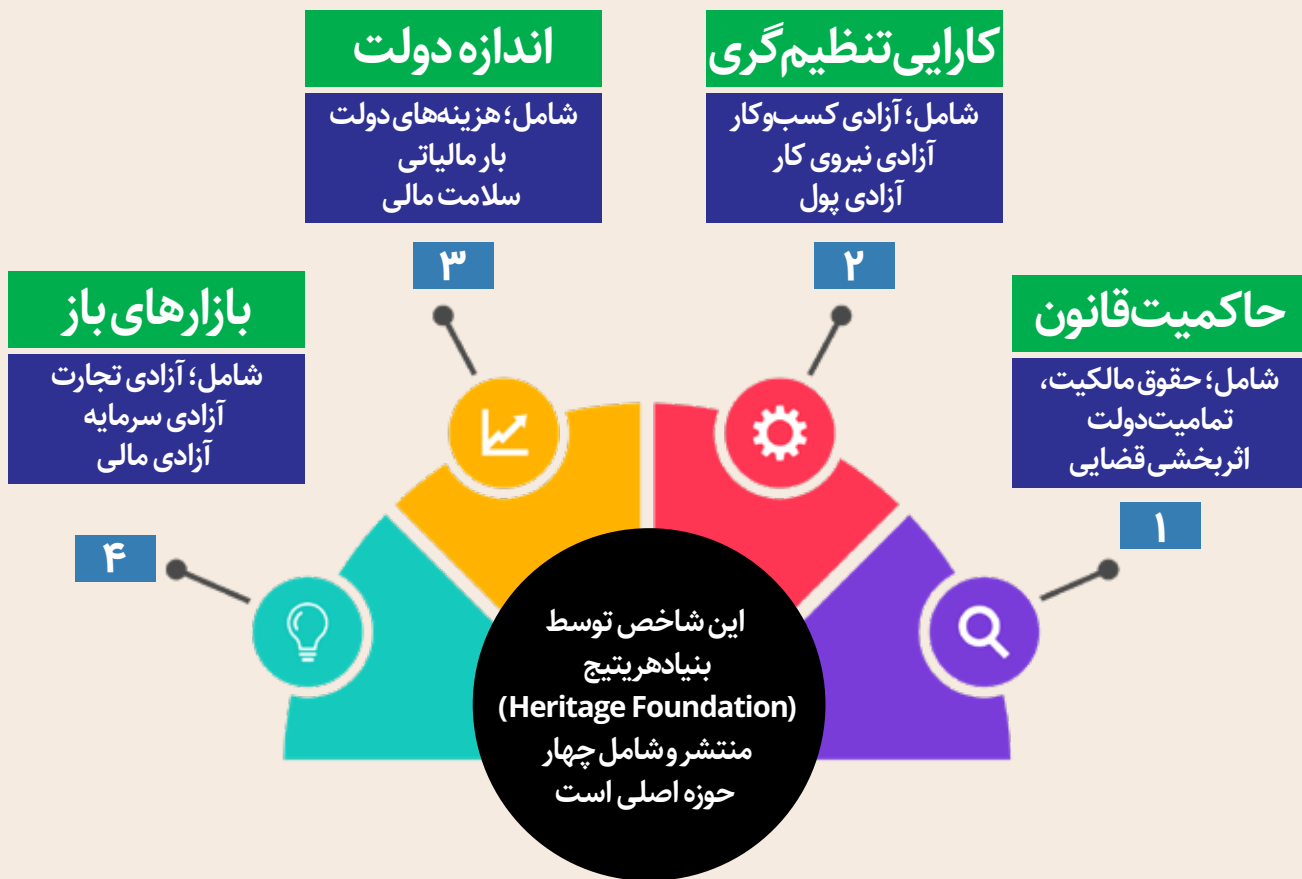
فقدان شفافیت در اقدامات غیرتعرفه‌ای مانع مهمی برای تجارت جهانی است؛ به طوری که بهبود شفافیت می‌تواند هزینه‌های تجاری مرتبط با موانع غیرتعرفه‌ای را حدود ۱۹ درصد کاهش دهد. بهبود شفافیت با توسعه پلتفرم‌های آماری و اطلاعاتی در سطح بین‌الملل، یکی از راهکارهای مؤثر در کاهش بار هزینه‌های NTM ها است.

از منظر صادرات، آگاهی از وضعیت و روندهای حاکم بر تجارت بین‌الملل جهت دستیابی به دیدگاه‌های دقیق‌تر برای تدوین راهبردهای توسعه صادرات اهمیت دارد. در این راستا، آگاهی بخشی به صادرکنندگان در جهت سازگاری با NTM ها در بازارهای هدف صادراتی در کنار ایجاد زیرساخت‌های مرتبط و مذاکره سیاست گذار با دولت‌های خارجی در جهت هماهنگ سازی قوانین و مقررات داخلی با یکدیگر و یا با استانداردهای بین‌المللی می‌تواند در جهت کاهش هزینه‌های صادرکنندگان و ارتقای رقابت پذیری آن‌ها در بازارهای جهانی مؤثر واقع شود.



نقش مداخلات دولتی در تضعیف آزادی اقتصادی

در ایران، تداوم اتکای سیاست‌های تجاری به موانع تعرفه‌ای، به‌عنوان یکی از اشکال مستقیم مداخله دولت در تجارت، از طریق افزایش هزینه‌های تجارت بین‌المللی، جریان آزاد بازار را محدود می‌سازد. اثر این شرایط در شاخص آزادی اقتصادی قابل مشاهده است. شاخص آزادی اقتصادی (Index of Economic Freedom) یکی از معتبرترین شاخص‌های بین‌المللی برای ارزیابی میزان آزادی فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای مختلف است.



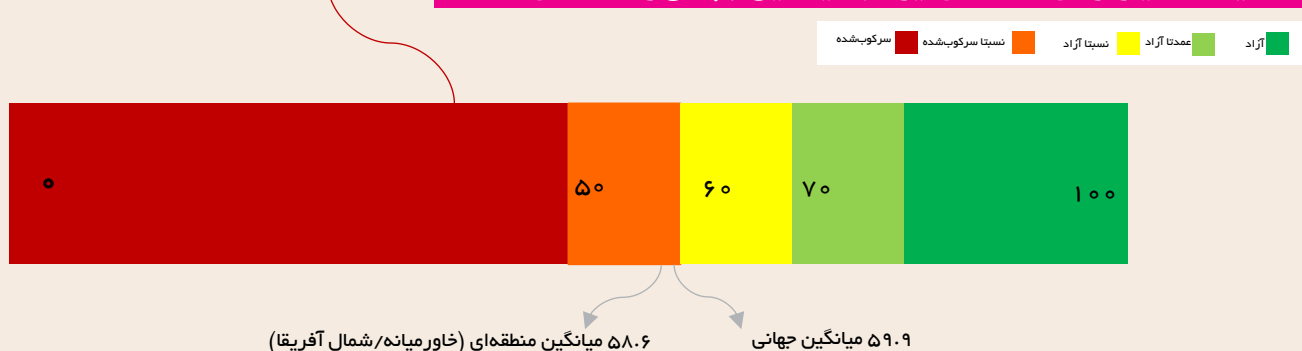
۱۴

۲۰۲۶، اقتصاد ایران در گروه اقتصادهای «سرکوب‌شده» طبقه‌بندی می‌شود. امتیاز آزادی اقتصادی ایران ۴۱٫۸ گزارش شده است که نسبت به سال گذشته حدود ۰٫۷ واحد کاهش نشان می‌دهد و بیانگر تداوم وضعیت نامطلوب آزادی اقتصادی است. ایران در میان اقتصادهای جهان در رتبه ۱۶۹ و در میان ۱۴ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA)، در پایین‌ترین رتبه (چهاردهم) قرار دارد.

نمره نهایی این شاخص در بازه صفر تا ۱۰۰ تعریف شده و هر ساله برای حدود ۱۸۰ کشور منتشر می‌شود. بر این اساس، کشورها بر مبنای امتیاز کسب‌شده در پنج گروه «آزاد»، «نسبتاً آزاد»، «نسبتاً آزاد»، «نسبتاً سرکوب‌شده» و «سرکوب‌شده» طبقه‌بندی می‌شوند. امتیاز آزادی اقتصادی ایران به‌طور معناداری پایین‌تر از میانگین‌های جهانی و منطقه‌ای قرار دارد. مطابق گزارش شاخص آزادی اقتصادی

۴۱٫۸ امتیاز ایران

مقایسه امتیاز آزادی اقتصادی ایران با میانگین جهانی و منطقه‌ای - ۲۰۲۶



مقایسه رتبه ایران با کشورهای منتخب در شاخص آزادی اقتصادی ۲۰۲۶



رتبه **۳۱**

قطر

امتیاز: ۷۰٫۲



رتبه **۳۹**

عمان

امتیاز: ۶۸٫۵



رتبه **۱۴۵**

روسیه

امتیاز: ۵۰٫۳

“



در میان کشورهای منتخب

امارات متحده عربی با رتبه ۲۳

عملکرد بهتری نسبت به سایر کشورهای منتخب دارد، پس از آن قطر در رتبه ۳۱، عمان در رتبه ۳۹ و عربستان در رتبه ۵۹ جهانی قرار می‌گیرند.

ترکیه با رتبه ۱۱۷

در وضعیت متوسطی قرار داشته و روسیه در رده کشورهای با آزادی محدود اقتصادی است.

همانطور که مشخص است ایران در میان کشورهای منتخب در آزادی اقتصادی جایگاه پایین‌تری دارد.



رتبه **۵۹**

عربستان سعودی

امتیاز: ۶۵٫۴



رتبه **۲۳**

امارات متحده عربی

امتیاز: ۷۱٫۹



رتبه **۱۱۷**

ترکیه

امتیاز: ۵۵

بهبود جایگاه ایران در شاخص آزادی اقتصادی مستلزم مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری در حوزه‌های کلیدی است: نخست، کاهش مداخلات دولت و حرکت به سمت سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر بازار؛ دوم، اصلاح نظام حقوقی به‌منظور تقویت شفافیت، امنیت حقوق مالکیت و کارآمدسازی سازوکارهای حل و فصل اختلافات اقتصادی؛ سوم، بهبود نظام مالی و بانکی برای تسهیل سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و چهارم، ارتقای شفافیت نهادی و تقویت سازوکارهای مقابله با فساد در ساختارهای دولتی و اقتصادی.

در مجموع، حرکت به سمت افزایش آزادی اقتصادی نه تنها یک ضرورت در چارچوب رتبه‌بندی‌های بین‌المللی است، بلکه می‌تواند به بهبود پایدار رفاه اجتماعی و افزایش پویایی اقتصاد کشور منجر شود. تجربه‌های کشورهای با سطح بالای آزادی اقتصادی مانند سنگاپور (رتبه ۱ آزادی اقتصادی ۲۰۲۶) نشان می‌دهد که کاهش مداخلات دولت در سازوکارهای بازار و تسهیل مقررات ورود به بازار و تجارت، زمینه‌ساز تبدیل این کشور به قطب‌های تجارت، نوآوری و فناوری شده است.

“



تضعیف جایگاه ایران

در شاخص اتصال کشتیرانی منظم (LSCI)

کاهش آزادی اقتصادی در ایران، از طریق افزایش مداخلات دولتی و محدودیت‌های تجاری، بر کارایی و تسهیل تجارت بین‌المللی اثر منفی می‌گذارد و به تدریج هزینه و سرعت جابه‌جایی کالاها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از پیامدهای قابل مشاهده این روند، تضعیف جایگاه ایران

این شاخص توسط کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (UNCTAD) برای حدود ۱۹۱ کشور منتشر شده و بر اساس شش مؤلفه اصلی زیر شکل گرفته است:



حداکثر اندازه کشتی‌ها



ظرفیت حمل کانتینری کشتی‌ها



تعداد کشتی‌ها



تعداد کشورهای دارای خط کشتیرانی مستقیم



تعداد شرکت‌های فعال در حمل و نقل کانتینری در بنادر



تعداد خدمات کشتیرانی

مبنای مقایسه استفاده می‌شود. اگر عدد کشوری نزدیک صفر باشد یعنی اتصالش ضعیف است و اگر شاخص در حدود ۱۰۰ باشد یعنی در حد همان وضعیت مرجع سال ۲۰۰۶ است و اگر در سال‌های بعد بالاتر از ۱۰۰ باشد یعنی از سطح مبنا هم اتصال بیشتری پیدا کرده است.

شاخص اتصال حمل و نقل کشتیرانی منظم با استفاده از شش مؤلفه حمل و نقل دریایی، میزان اتصال کشورها به شبکه جهانی کشتیرانی را می‌سنجد و به صورت مقایسه‌ای نرمال‌سازی می‌کند. عدد ۱۰۰ مربوط به کشوری است که در سال ۲۰۰۶ بهترین اتصال را داشته و به عنوان

روند تغییرات شاخص اتصال کشتیرانی منظم ایران



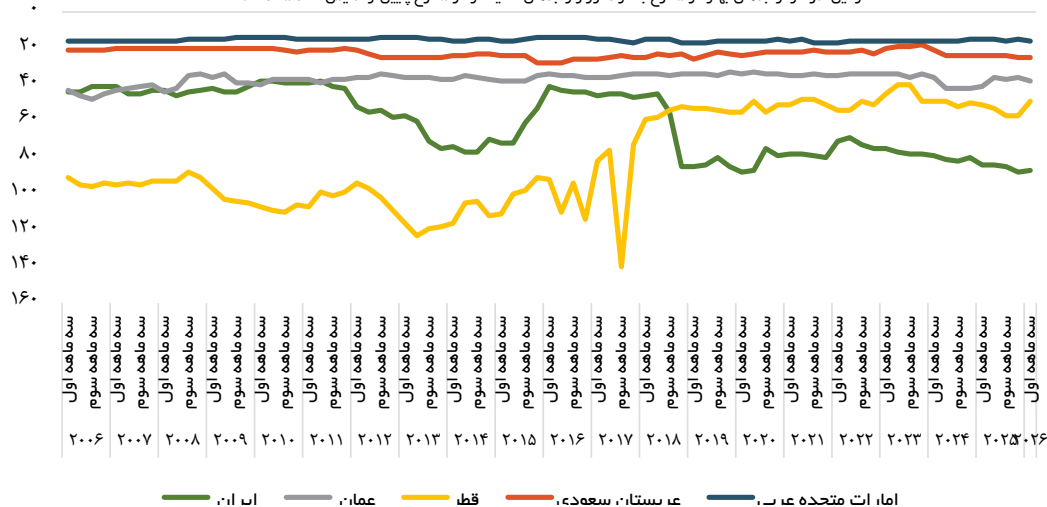
نخستین افت شدید ایران در شاخص اتصال کشتیرانی منظم (LSCI) در سال ۲۰۱۴ رخ داده و طی آن سال شاخص به پایین‌ترین سطح خود، معادل ۵۸٫۱۸ تنزل یافت. دومین افت معنادار در سال ۲۰۱۸ و هم‌زمان با خروج ایالات متحده از برجام و تشدید تحریم‌ها مشاهده شد. در این سال، شاخص پس از دستیابی به سطح ۶۷٫۷۸، با روندی نزولی مواجه شده و در ادامه به حدود ۵۲٫۰۵ کاهش یافت. این روند نشان‌دهنده شکنندگی و وابستگی بالای جایگاه ایران در شبکه حمل و نقل دریایی نسبت به شوک‌های ژئوپلیتیکی و تحریمی است.

روند رتبه کشورهای منتخب منطقه در شاخص LSCI

در این نمودار، رتبه‌های بهتر در سطوح بالاتر محور و رتبه‌های ضعیف‌تر در سطوح پایین‌تر نمایش داده شده‌اند.

روند رتبه کشورهای منتخب منطقه در شاخص LSCI

در این نمودار، رتبه‌های بهتر در سطوح بالاتر محور و رتبه‌های ضعیف‌تر در سطوح پایین‌تر نمایش داده شده‌اند.



همچنین قطر، علی‌رغم سطح اولیه پایین‌تر، از سال ۲۰۱۹ به بعد روندی بهبودیابنده را تجربه کرده و از این سال به بعد، جایگاهی بالاتر از ایران را حفظ کرده است (رتبه ۱۶). در سه ماهه نخست ۲۰۲۶ رتبه ایران در این شاخص ۸۷ بوده است که نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۲۵ حدود ۳ پله افت داشته است. این موضوع بیانگر کاهش سرعت ادغام آن در زنجیره‌های لجستیکی بین‌المللی است.

در سه ماهه اول سال ۲۰۲۶ در میان کشورهای منتخب، امارات متحده عربی با تمرکز بر توسعه هاب‌های لجستیکی و جذب خطوط اصلی کشتیرانی (رتبه ۱۶)، عربستان سعودی با سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌های بندری و لجستیکی (رتبه ۲۵) و عمان با تقویت نقش ترانزیتی خود (رتبه ۳۸)، در شاخص LSCI جایگاهی بالاتر از ایران کسب کرده‌اند.



بر اساس شاخص اتصال کشتیرانی منظم (LSCI)، میزان اتصال کشورها به شبکه جهانی حمل‌ونقل کشتیرانی نشان‌دهنده سطح دسترسی و ادغام آن‌ها در جریان‌های تجارت دریایی بین‌المللی است. در این چارچوب، ارتقا کارایی تجارت، کیفیت زیرساخت‌های بندری و حمل‌ونقل و سطح اتصال به شبکه‌های کشتیرانی جهانی از عوامل کلیدی مؤثر بر عملکرد تجاری کشورها محسوب می‌شوند. از آنجا که بخش عمده تجارت جهانی (حدود ۸۰ درصد تجارت از حیث حجم و بیش از ۷۰ درصد از حیث ارزشی) از طریق دریا انجام می‌شود، جایگاه کشورها در این شبکه‌ها به‌طور مستقیم بر مشارکت آن‌ها در زنجیره‌های ارزش جهانی اثر می‌گذارد.

ارتقای جایگاه ایران در این شاخص مستلزم انجام مجموعه‌ای از اصلاحات هم‌زمان در سطوح نهادی، زیرساختی و عملیاتی از جمله کاهش مداخلات غیرضروری و افزایش پیش‌بینی‌پذیری مقررات، توسعه و نوسازی زیرساخت‌های بندری و حمل‌ونقلی و بهبود کارایی فرآیندهای گمرکی از طریق دیجیتالی‌سازی و انطباق با استانداردهای بین‌المللی است.

“

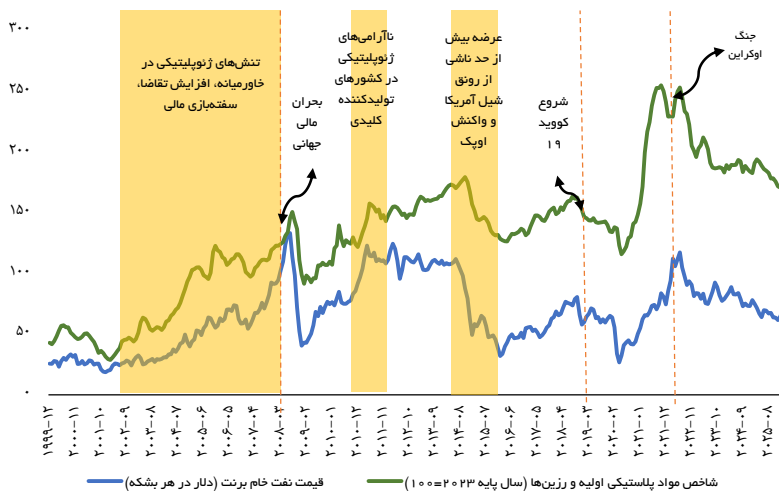


از شوک‌های نفتی تا جهش قیمت پلاستیک؛ همگرایی هزینه‌های انرژی و مواد اولیه

این در حالیست که برخی فرآورده‌های نفت و پتروشیمی همچون رزین‌ها و مواد پلاستیکی، مستقیماً در تولید و بسته‌بندی بسیاری از کالاها در جهان نقش دارند. از این رو در این قسمت، به بررسی پویایی‌ها و ارتباط میان قیمت جهانی نفت و پلاستیک پرداخته می‌شود.

با توجه به وابستگی تجارت جهانی به حمل‌ونقل دریایی، اختلال در مسیرهای کشتیرانی به ویژه در منطقه خلیج فارس، می‌تواند با فشار بر عرضه انرژی و قیمت نفت، به افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی نیز منجر شود.

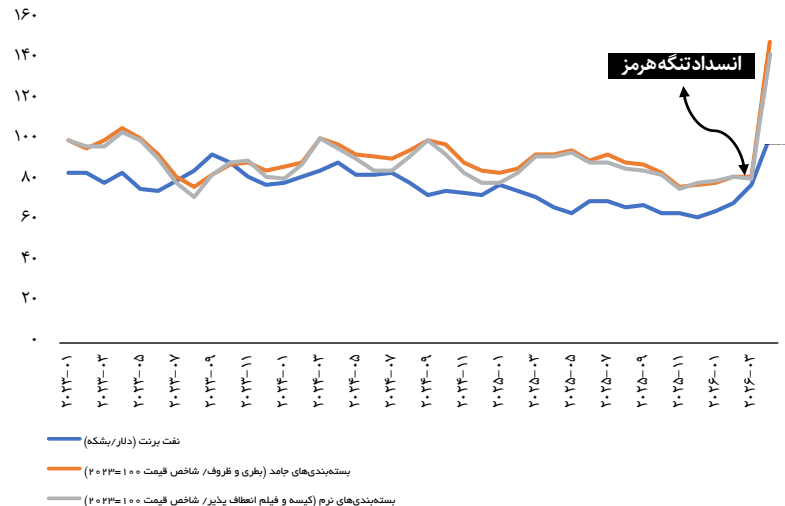
روند ۲۵ ساله ارتباط قیمت نفت و پلاستیک



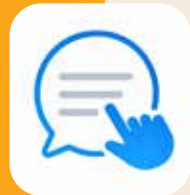
روند ۲۵ ساله (۲۰۰۰ تا ۲۰۲۶) نشان می‌دهد شوک‌های قیمت نفت (برنت) به عنوان پیشران، مستقیماً به شاخص قیمت پلاستیک و رزین‌های اولیه منتقل شده‌اند. البته بحران مالی ۲۰۰۸، رونق نفت شیل آمریکا، سیاست‌های عرضه‌ای اوپک، پاندمی کووید-۱۹ و جنگ اوکراین، نقاط عطف همگرایی این دو متغیر را شکل داده‌اند. شواهد بیانگر آن است که هزینه تولید نهاده‌های واسطه‌ای در صنایع جهانی، به‌طور ساختاری و معنادار تحت تأثیر تکان‌های ژئوپلیتیکی بازار انرژی فسیلی قرار دارد.

اثر انسداد تنگه هرمز بر قیمت نفت خام برنت و شاخص مواد پلاستیکی و رزین‌های اولیه

تنگه هرمز به‌عنوان یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان، نقش تعیین‌کننده‌ای در جریان تجارت بین‌المللی نفت و گاز دارد و هرگونه تنش یا اختلال در آن می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای بر توازن عرضه در بازارهای جهانی انرژی ایجاد کند. با انسداد تنگه هرمز، قیمت نفت برنت با عبور از مرز ۱۰۰ دلار به ۱۵۰ دلار در هر بشکه افزایش یافت و هم‌زمان شاخص رزین‌های بسته‌بندی جامد و رزین‌های بسته‌بندی نرم به ترتیب به سطوح ۱۴۷.۱ و ۱۴۰.۸ واحد رسید. این ارقام معادل رشد ۴۷.۱ و ۴۰.۸ درصدی نسبت به میانگین سال ۲۰۲۳ است که بیانگر انتقال سریع و مستقیم شوک بازار انرژی به زنجیره تأمین صنایع پلاستیک می‌باشد.



مواد پلاستیکی نقش اساسی در صنعت بسته‌بندی و قیمت تمام شده‌ی بسیاری از کالاها در جهان دارد. از بررسی روند انتقال قیمت میان بازار نفت و بازار فرآورده‌ها و محصولات پلاستیکی، می‌توان به ارتباط قوی میان این دو بازار و تأثیرپذیری قوی و سریع قیمت پلاستیک‌ها از قیمت جهانی نفت پی برد. از طرف دیگر، قیمت جهانی نفت وابستگی شدیدی به حمل و نقل دریایی به ویژه در حوزه خلیج فارس دارد و امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز به یکی از متغیرهای کلیدی اثرگذار بر انتظارات و نوسانات قیمت نفت در سطح بین‌المللی تبدیل شده است. از این رو، اختلالات اخیر در تنگه هرمز به واسطه جنگ تحمیلی اخیر، می‌تواند به سرعت به قیمت تمام شده مواد پلاستیکی و به تبع آن مواد بسته‌بندی و در نهایت قیمت جهانی عموم کالاها مصرفی در جهان منجر شود.

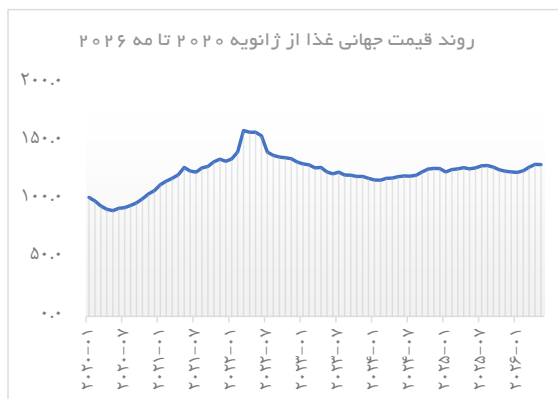


روند روبه رشد قیمت جهانی غلات زنگ هشدار برای امنیت غذایی



شوکی قیمت نفت از طریق افزایش هزینه‌های تولید، انرژی و حمل و نقل در زنجیره‌های تأمین جهانی، به تدریج به قیمت کالاهای مصرفی منتقل می‌شوند. بازار غذا و کشاورزی از جمله بازارهایی است که ارتباط مستقیمی با تحولات قیمت نفت و انرژی دارد. در این بخش به بررسی پویایی‌ها و تحولات اخیر قیمت جهانی غذا پرداخته می‌شود.

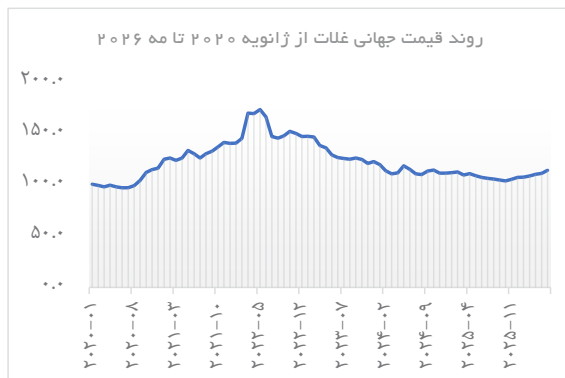
قیمت غذا



شاخص قیمت مواد غذایی فائو (FFPI) در ماه مه ۲۰۲۲ به طور متوسط ۱۳۰٫۸ واحد بوده که نسبت به آوریل ۲۰۲۲، ۲ درصد کاهش یافته و تقریباً ثابت مانده است. در مقایسه با سطوح تاریخی، شاخص قیمت مواد غذایی فائو در ماه مه ۲۰۲۲، ۲٫۹ درصد بالاتر از یک سال پیش بود، اما همچنان ۱۸٫۴ درصد پایین‌تر از اوج خود در مارس ۲۰۲۲ بود.

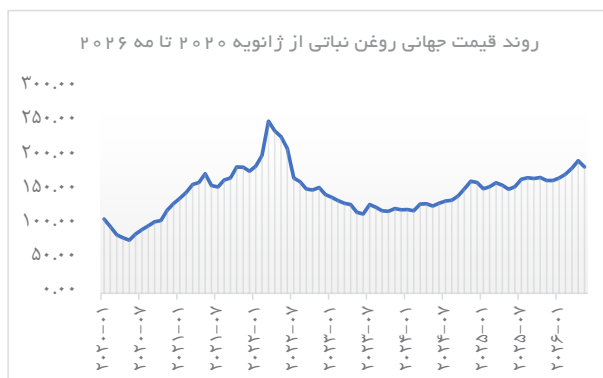
۱۹

قیمت غلات



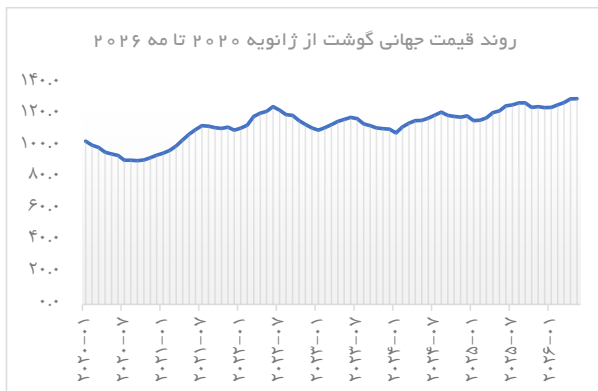
شاخص قیمت غلات در ماه مه به طور متوسط ۱۱۴٫۳ واحد بود که ۲٫۶ درصد نسبت به آوریل و ۴٫۹ درصد نسبت به سطح خود در سال گذشته افزایش یافته است. افزایش مداوم، نشان‌دهنده افزایش قیمت‌ها در تمام غلات اصلی شامل گندم، ذرت، جو، سورگوم و برنج می‌باشد.

قیمت روغن نباتی



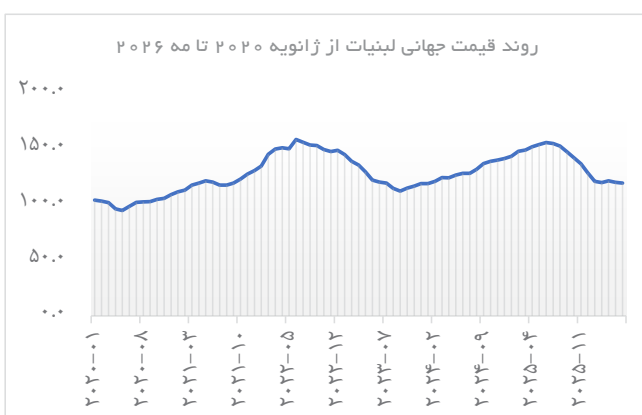
شاخص قیمت روغن نباتی در ماه مه به طور متوسط ۱۸۵٫۰ واحد بود که نسبت به آوریل ۴٫۶ درصد کاهش یافته و اولین کاهش ماهانه از ابتدای سال ۲۰۲۲ را نشان می‌دهد. این کاهش عمدتاً ناشی از کاهش قیمت روغن پالم و سویا بود که افزایش قیمت روغن کلزا و روغن آفتابگردان را جبران کرد.

قیمت گوشت



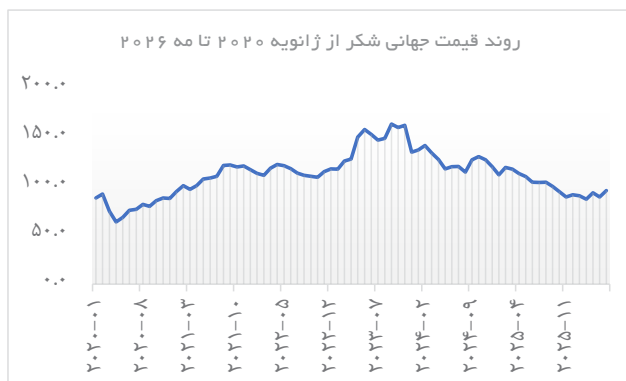
شاخص قیمت گوشت در ماه مه به طور متوسط ۱۳۰٫۵ واحد بود که تقریباً بدون تغییر (۰٫۱ درصد افزایش) نسبت به ارزش اصلاح شده آوریل و ۶٫۳ درصد بالاتر از سطح سال گذشته بود. افزایش قیمت گوشت گاو و گوسفند، در کنار افزایش اندک قیمت گوشت مرغ، تقریباً به طور کامل با کاهش قیمت گوشت خوک جبران شد.

قیمت لبنیات



شاخص قیمت لبنیات در ماه مه به طور متوسط ۱۱۹٫۲ واحد بود که نسبت به آوریل ۰٫۵ درصد کاهش و نسبت به سال گذشته ۲۲٫۴ درصد کمتر بود.

قیمت شکر



شاخص قیمت شکر در ماه مه به طور متوسط ۹۵٫۱ واحد بود که نسبت به آوریل ۷٫۵ درصد افزایش یافته و بالاترین سطح از اکتبر ۲۰۲۵ است، اما همچنان ۱۳٫۱ درصد کمتر از سطح سال گذشته است.

در میان اجزای تشکیل دهنده قیمت جهانی غذا، تغییرات قیمت غلات برای ایران حائز اهمیت است چراکه به عنوان نهاده در صنعت دام و طیور کشور نقش اساسی دارند. افزایش قیمت غلات در کنار محدودیت‌های اخیر حمل و نقل دریایی ناشی از جنگ و همچنین سیاست حذف نرخ ارز ترجیحی نهاده‌های دام و طیور، می‌تواند فشار قابل توجهی را بر این صنعت وارد آورد؛ به طوری که این امر منجر به افزایش قیمت تمام‌شده محصولات پروتئینی و کاهش همزمان رفاه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان می‌شود. لذا این موضوع به مثابه‌ی زنگ هشدار برای سیاستگذار، در جهت برنامه‌ریزی برای مواجهه با تهدیدات امنیتی غذایی و ارتقای تاب‌آوری زنجیره ارزش صنعت دام و طیور می‌باشد.

“



جنگ چگونه تورم را به کالاهای بادوام رساند؟

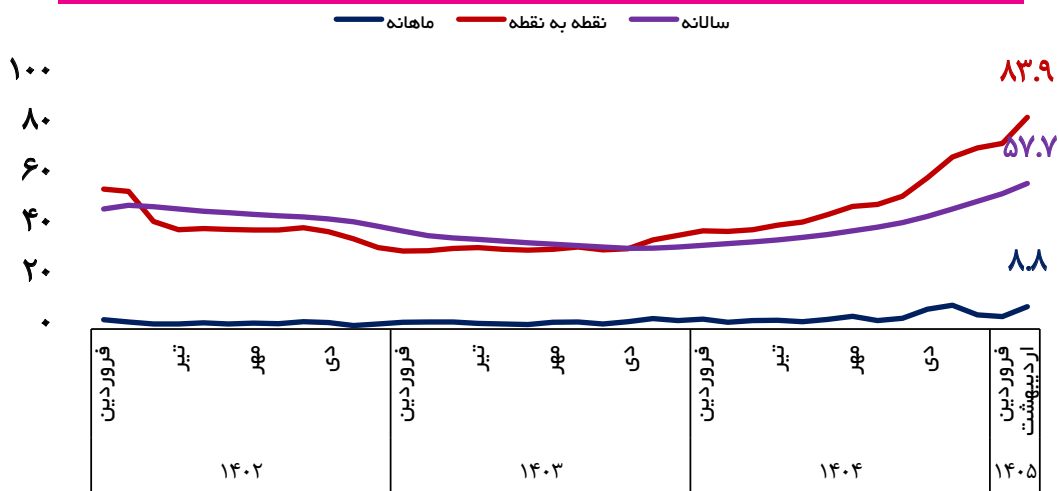


از کالاهای کم‌دوام به کالاهای بادوام گسترش می‌یابد. بررسی داده‌های تورم اردیبهشت ۱۴۰۵ که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده نشان‌دهنده اثر تجاری جنگ بر تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده است. بر اساس این آمار، تورم ماهانه در این ماه به ۸.۸ درصد، تورم نقطه‌ای به ۸۳.۹ درصد و تورم سالانه به ۵۷.۷ درصد رسیده است.

افزایش شاخص قیمت مواد غذایی معمولاً نخستین بازتاب شوک‌های هزینه‌ای در اقتصادهای وابسته به تجارت خارجی به‌شمار می‌رود، با این حال اثر این شوک‌ها به گروه خوراکی‌ها محدود نمی‌ماند. در شرایط بروز تنش‌های ژئوپلیتیک و اختلالات تجاری، فشارهای قیمتی از مسیر نرخ ارز و هزینه‌های واردات به سایر اقلام سبد مصرفی نیز سرایت کرده و دامنه آن



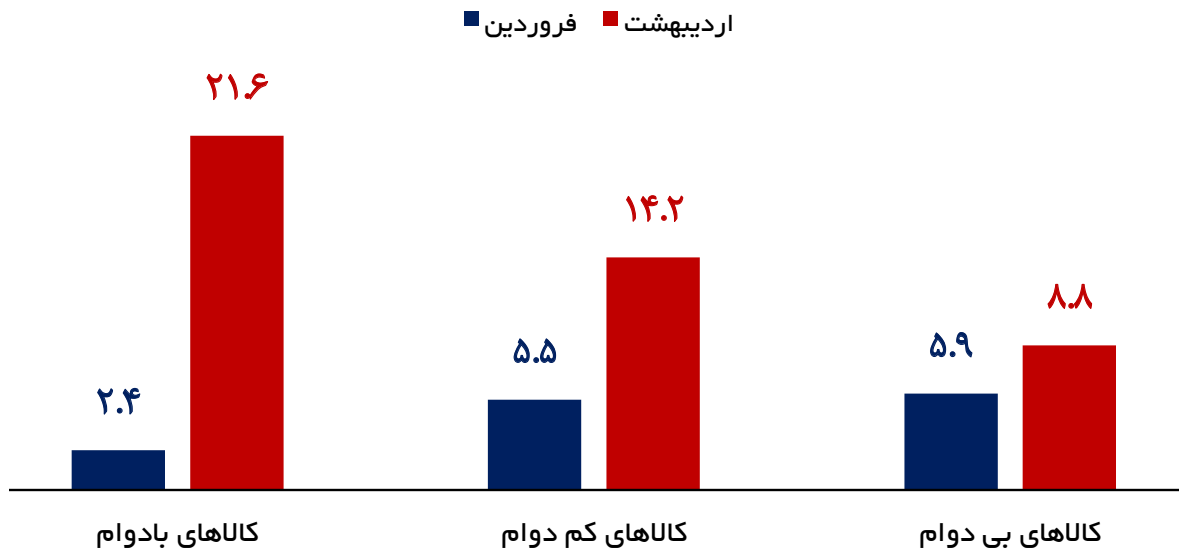
نرخ تورم بر حسب درصد (۱۴۰۰=۱۰۰)



در ماه قبل به ۸.۸ درصد رسیده که با میانگین کل تورم ماهانه برابر شده است. این روند صعودی که در آن کالاهای بادوام و کم‌دوام که نرخ‌هایی بیش از میانگین کل یعنی ۸.۸ درصد را ثبت کرده‌اند، نشان می‌دهد بخشی از جهش‌های قیمتی بیش از آن‌که متأثر از اقلام مصرفی روزمره باشد، تحت تاثیر هزینه‌های تجاری و انتظارات قیمتی هستند که بیشتر در کالاهای بادوام نمود پیدا کرده است.

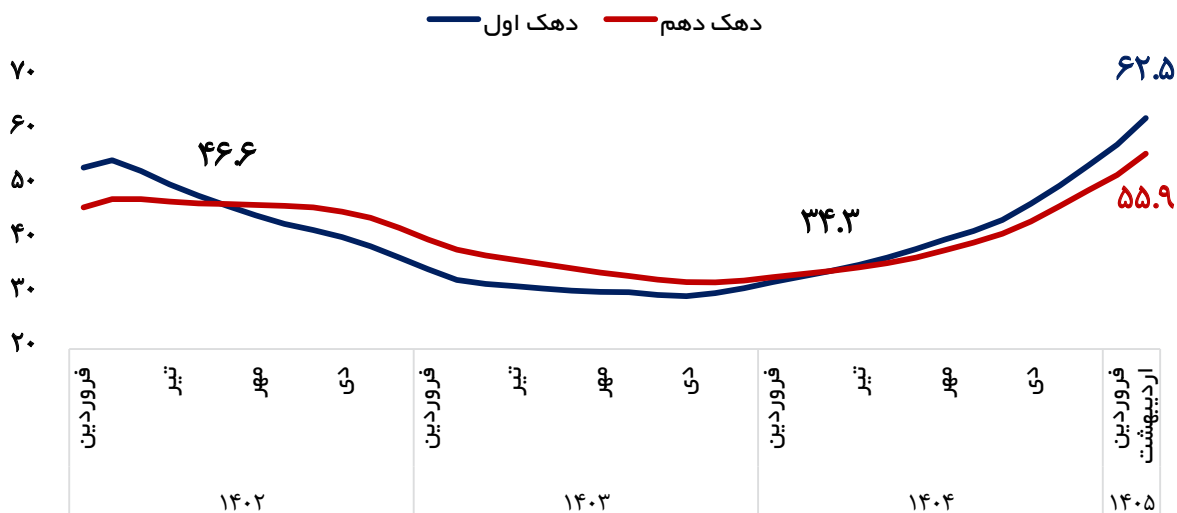
بررسی گروه‌هایی که بیشترین تورم ماهانه را تجربه کرده‌اند، رابطه بین تغییرات قیمتی این گروه‌ها و تجارت خارجی را نشان می‌دهد بر این اساس نرخ تورم ماهانه کالاهای بادوام که به هزینه‌های واردات و نوسان نرخ ارز حساس هستند از ۲.۴ درصد در فروردین به ۲۱.۶ درصد در اردیبهشت رسیده است. همزمان، تورم ماهانه کالاهای کم‌دوام نیز از ۵.۵ درصد به ۱۴.۲ درصد افزایش یافته است. حتی در گروه کالاهای بی‌دوام، نرخ تورم از ۵.۹ درصد

نرخ تورم ماهانه بر حسب درصد (۱۴۰۰=۱۰۰)



بررسی روند زمانی تورم سالانه نشان می‌دهد در خردادماه ۱۴۰۴، نرخ تورم برای هر دو دهک اول و دهم برابر ۳۴.۳ درصد بود اما پس از آن در مسیر هزینه‌های زندگی واگرایی این دو گروه به وجود آمد، به طوری که هزینه‌های زندگی برای خانوارهای کم‌درآمد با سرعت بیشتری در مقایسه با خانوارهای پردرآمد افزایش یافت.

تورم سالانه بر حسب درصد (۱۴۰۰=۱۰۰)



۲۲

داده‌های تورم اردیبهشت ۱۴۰۵ نشان می‌دهد کانال تجاری تحت تأثیر پیامدهای جنگ، به یکی از عوامل اصلی افزایش قیمت‌ها تبدیل شده است. تورم دیگر به اقلام معیشتی محدود نیست و به کالاهای بادوام سرایت پیدا کرده است که ریشه در نوسان نرخ ارز و انتظارات قیمتی دارد. از سوی دیگر همزمان فشار نامتقارنی بر دهک‌های درآمدی وارد شده به طوری که دهک‌های پایین به دلیل تورم بالای ۱۰۰ درصدی در اقلام ضروری قابل تجارت فشار تورمی سنگین‌تری را نسبت به دهک‌های بالا تحمل می‌کنند.

“



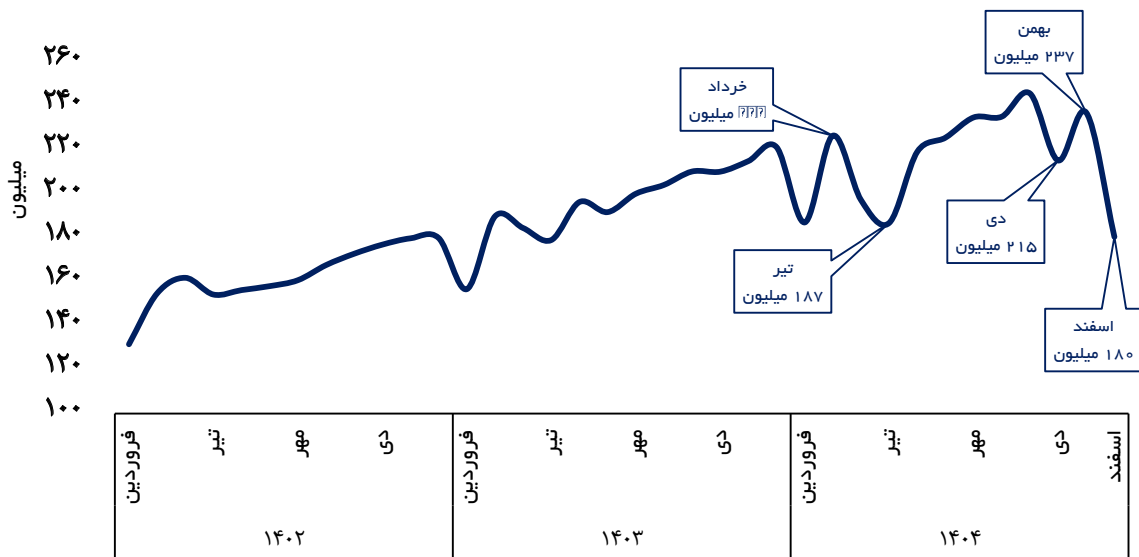
اثر شوک‌های ژئوپلیتیکی بر عملکرد تجارت الکترونیک

به‌منظور تکمیل تصویر تحولات تجارت و سنجش ابعاد دیجیتالی‌شدن اقتصاد، عملکرد تجارت الکترونیکی ایران بر اساس داده‌های شاپرک مورد بررسی قرار می‌گیرد. تجارت الکترونیکی فضایی برای انجام معاملات به شیوه جدید است که یکی از انواع آن، خرید اینترنتی است. بررسی و تحلیل داده‌های منتشرشده شاپرک، نشان‌دهنده تأثیر جنگ بر تجارت الکترونیکی کشور در سال گذشته است به طوری که الگوی این تراکنش‌ها در اثر جنگ، تغییر کرده است.



۲۳

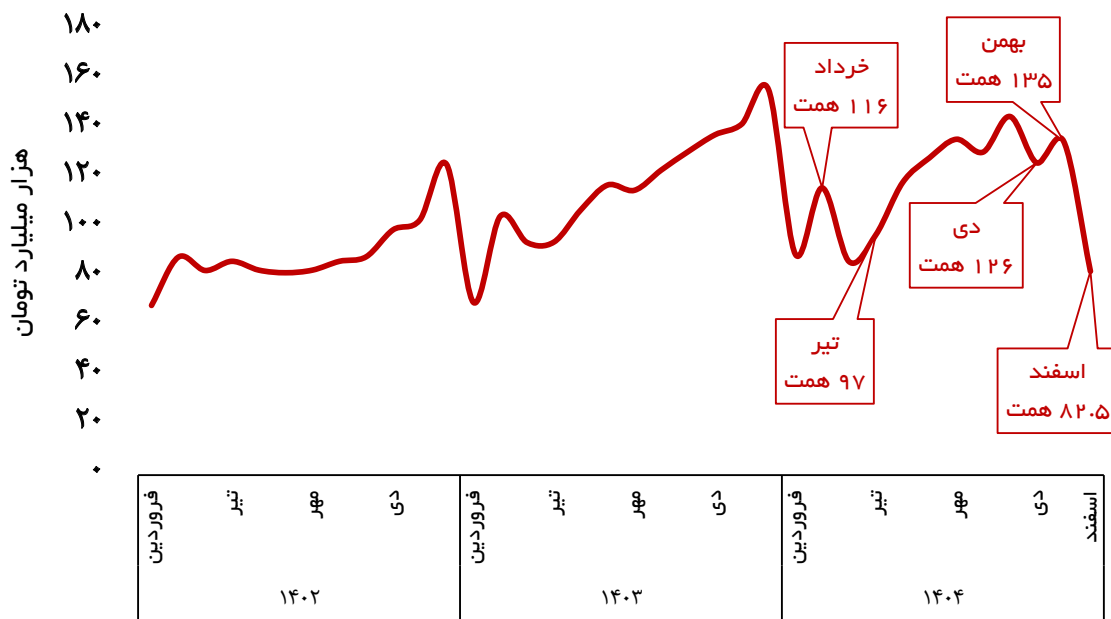
تعداد تراکنش‌های خرید اینترنتی در کل کشور



کاهش ۱۲.۴ درصدی را به همراه داشت. بیشترین کاهش خرید اینترنتی نیز در اسفند ۱۴۰۳ به دنبال قطعی اینترنت پس از وقوع جنگ رمضان رخ داد تا جایی که برخلاف روال هر سال که اسفند ماه بیشترین تعداد خرید اینترنتی را در کل سال داشتیم، با کاهش آن مواجه بودیم. کاهش خرید اینترنتی در اسفند ۱۴۰۳ در مقایسه با بهمن ماه، ۲۴ درصدی بود و موجب شد تعداد خریدها از حدود ۲۴۰ میلیون به حدود ۱۸۰ میلیون و سطح سال ۱۴۰۲ بازگردد.

به طور کلی، خرید اینترنتی در کشور دارای الگوی فصلی در فروردین ماه است. تعداد خریدهای اینترنتی در فروردین ماه با کاهش به اسفند سال قبل مواجه می‌شود که نمونه آن در کاهش ۱۳ درصدی در آغاز سال ۱۴۰۳ و ۱۵.۵ درصدی در فروردین ۱۴۰۴ قابل مشاهده است. وقوع جنگ ۱۲ روزه و قطع اینترنت در خرداد ۱۴۰۴ باعث انحراف از مسیر رشد و کاهش ۱۳ درصدی تعداد خریدهای اینترنتی نسبت به اردیبهشت شد. این موضوع در دی ماه نسبت به آذرماه نیز به دلیل اختلال اینترنت،

ارزش حقیقی تراکنش‌های خرید اینترنتی در کل کشور



در اسفند ۱۴۰۴ رخ داد. این در حالی است که طبق الگوی سالانه و مانند روند سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، ارزش حقیقی در اسفند معمولاً بیشترین ارزش طی سال است. با این حال وقوع جنگ ۴۰ روزه و قطعی اینترنت باعث افت ۳۹ درصدی این رقم نسبت به بهمن شد و در نتیجه ارزش حقیقی تجارت الکترونیکی در پایان سال ۱۴۰۴ به سطحی پایین‌تر از رقم مشابه در اسفند ۱۴۰۲ رسید.

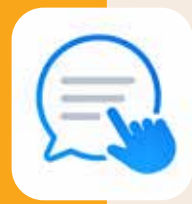
از سوی دیگر ارزش حقیقی خریدهای اینترنتی نشان می‌دهد شوک‌های سال ۱۴۰۴ اندازه این بازار را کوچک کرده‌اند. در خرداد ۱۴۰۴، وقوع جنگ ۱۲ روزه و محدودیت‌های اینترنت، ارزش حقیقی تجارت الکترونیک را با افت ۲۵.۶ درصدی نسبت به اردیبهشت، به ۸۶۴ هزار میلیارد ریال کاهش داد. کاهش ارزش حقیقی خریدهای اینترنتی در دردی‌ماه نیز با افت ۱۲.۹ درصدی نسبت به ماه قبل، تکرار شد و بیشترین کاهش نیز

۲۴



با وجود دسترسی به اینترنت داخلی در طول دو جنگ تجربه شده در سال گذشته، دسترسی مشتریان تجارت الکترونیک به تأمین‌کنندگان، نیازمند دسترسی به ابزارهایی مانند جست‌وجو در گوگل و نیز انواع شبکه‌های اجتماعی بوده است. از سوی دیگر، کسب‌وکارها نیز برای استمرار ارائه خدمات، از جمله تمدید گواهی‌ها، دریافت به‌روز رسانی‌ها، اطلاع از هشدارهای امنیتی انتشار یافته، ثبت درخواست‌های عیب‌یابی و بهره‌مندی از خدمات پشتیبانی به اینترنت بین‌الملل نیاز داشتند. بنابراین قطعی اینترنت را می‌توان یکی از عوامل اصلی کاهش خریدهای اینترنتی دانست. علاوه بر این، اندازه تجارت الکترونیک کشور نیز به همین دلیل و نیز تورم، در حال کوچک شدن است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود کسب‌وکارهای فعال در حوزه تجارت الکترونیک، برای حفظ کانال‌های ارتباطی با مشتریان در بحران، آمادگی داشته باشند و با توجه به کوچک شدن اندازه واقعی تجارت الکترونیک در حاشیه سود و هزینه‌های عملیاتی خود بازنگری کنند.

“





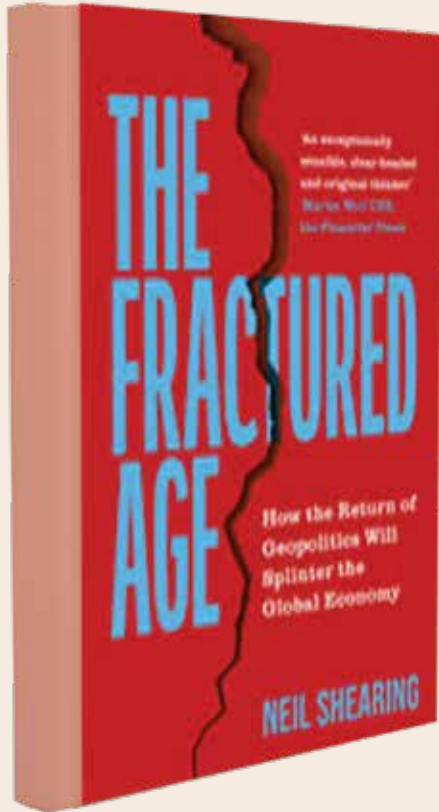
نگاه‌پایانی

شماره ۲۱ اقتصادسنج نشان می‌دهد که هم‌زمان با تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی، اقتصاد جهانی در مرحله‌ای از بازآرایی عمیق قرار دارد؛ جایی که جابه‌جایی تدریجی قدرت میان بازیگران اصلی و ظهور قدرت‌های میانی، ساختار نظم بین‌الملل را از حالت متمرکز به سمت توزیع‌شده‌تر سوق داده است. این تغییر در موازنه قدرت، به‌طور مستقیم الگوهای همکاری جهانی را نیز دگرگون کرده و همکاری‌ها را از چارچوب‌های فراگیر و یکپارچه به سمت اشکال منعطف‌تر، موضوع‌محور و همسو با منافع ژئوپلیتیکی هدایت کرده است. پس در چنین شرایطی، جهانی‌شدن نه متوقف شده و نه معکوس، بلکه در قالبی بازآرایی‌شده و مبتنی بر همسویی‌های سیاسی و اقتصادی ادامه یافته است.

در امتداد این روند، ساختار تجارت جهانی نیز تحت تأثیر تغییر ماهیت موانع دسترسی به بازارها و گسترش موانع غیرتعرفه‌ای قرار گرفته است؛ مسیری که در آن رقابت اقتصادی بیش از پیش به سازوکارهای نهادی و تنظیم‌گری وابسته شده است. هم‌زمان، مداخلات دولتی و محدودیت‌های نهادی از طریق اثرگذاری بر شاخص‌های آزادی اقتصادی و کارکرد شبکه‌های لجستیکی، بر کارایی تجارت جهانی فشار وارد کرده‌اند. این فشارها در امتداد زنجیره‌های انرژی، غذا و مواد اولیه، به تقویت هم‌زمانی و انتقال‌پذیری شوک‌های ژئوپلیتیکی در قیمت‌های جهانی منجر شده است. در نهایت، این روند به اقتصاد دیجیتال نیز سرایت کرده و داده‌های تجارت الکترونیکی نشان می‌دهد که جریان خریدهای آنلاین نیز نسبت به اختلالات ژئوپلیتیکی و زیرساختی حساسیت بالایی دارد.

عصر گسست

نویسنده: Neil Shearing



این کتاب که در فهرست بهترین کتاب‌های اقتصادی سال ۲۰۲۵ فایننشال تایمز قرار گرفته، به یکی از مهم‌ترین تحولات اقتصاد جهانی می‌پردازد؛ پایان تدریجی جهانی‌شدن یکپارچه و ظهور جهانی چندقطبی که در آن رقابت‌های ژئوپلیتیک، امنیت اقتصادی و فناوری بیش از گذشته بر تجارت و سرمایه‌گذاری اثر می‌گذارند. «شیرینگ»، اقتصاددان ارشد مؤسسه Capital Economics، در این کتاب استدلال می‌کند بسیاری از تحلیل‌های اقتصادی هنوز بر مبنای جهانی نوشته می‌شوند که دیگر وجود ندارد؛ جهانی که در آن فرض بر آزاد شدن مستمر تجارت، گسترش زنجیره‌های تأمین و همگرایی اقتصادها بود. اما اکنون روابط آمریکا و چین، جنگ‌های فناوری، سیاست‌های صنعتی جدید و دغدغه‌های امنیتی، قواعد بازی را تغییر داده‌اند.

نویسنده نشان می‌دهد برخلاف تصور رایج، جهان الزاما وارد دوره‌ای از «ضد جهانی‌شدن» نشده است، بلکه با نوعی «جهانی‌شدن گزینشی» مواجه است. شرکت‌ها و دولت‌ها همچنان به تجارت و سرمایه‌گذاری فرامرزی نیاز دارند، اما در انتخاب شرکای تجاری، مسیرهای تأمین و فناوری‌های راهبردی ملاحظات سیاسی و امنیتی را بیش از گذشته لحاظ می‌کنند. به همین دلیل، مفاهیمی مانند انتقال تولید به کشورهای دوست، نزدیک‌سازی زنجیره تأمین به بازارهای مصرف و امنیت زنجیره تأمین به عناصر اصلی سیاست اقتصادی تبدیل شده‌اند.

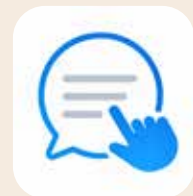
۲۶

یافته‌های کلیدی کتاب

- اقتصاد جهانی در حال ورود به عصر «گسست ژئوپلیتیک» است.
- رقابت آمریکا و چین مهم‌ترین نیروی شکل‌دهنده اقتصاد جهانی در دهه آینده خواهد بود.
- زنجیره‌های تأمین جهانی از بین نمی‌روند، بلکه بازاریابی می‌شوند.
- ملاحظات امنیتی به اندازه ملاحظات اقتصادی در تصمیمات تجاری اهمیت یافته‌اند.
- سیاست صنعتی دوباره به ابزار مهم دولت‌ها تبدیل شده است.
- شرکت‌ها باید ریسک ژئوپلیتیک را در کنار ریسک‌های مالی مدیریت کنند.
- کشورهایی که بتوانند میان بلوک‌های اقتصادی مختلف نقش واسطه ایفا کنند، فرصت‌های جدیدی به دست خواهند آورد.

“

این کتاب را انتشارات John Murray Press در سال ۲۰۲۵ به زبان انگلیسی در قالب ۳۲۰ صفحه منتشر کرده است. این اثر در فهرست بهترین کتاب‌های اقتصادی سال ۲۰۲۵ فایننشال تایمز قرار گرفته و در تحلیل‌های تخصصی اقتصاد کلان و ژئواکونومی، از جمله یادداشت‌های تحلیلی فایننشال تایمز، مورد توجه ویژه قرار گرفته است.



منبع



www.capitaleconomics.com

اقتصاد داده: ابزارها و کاربردها

نویسندگان: Isaac Baley، Laura Veldkamp

این کتاب یکی از آثار مهم و جدید در اقتصاد مدرن است که توضیح می‌دهد چگونه داده به یک «عامل تولید اقتصادی» در اقتصاد امروز تبدیل شده است.

نویسندگان نشان می‌دهند در اقتصاد دیجیتال، داده دیگر فقط یک خروجی جانبی نیست، بلکه خودش یک منبع تولید، مزیت رقابتی و ابزار تصمیم‌گیری اقتصادی است. شرکت‌ها بر اساس داده‌ها رفتار مصرف‌کننده را پیش‌بینی می‌کنند، قیمت‌گذاری را تغییر می‌دهند و حتی ساختار بازار را شکل می‌دهند. در این نگاه، اقتصاد دیگر فقط بر پایه کار و سرمایه فیزیکی نیست، بلکه بر پایه یک چرخه جدید شکل گرفته:

جمع‌آوری داده تحلیل تصمیم تولید ارزش اقتصادی تولید داده جدید کتاب همچنین توضیح می‌دهد داده باعث ایجاد «قدرت بازار» برای شرکت‌های بزرگ پلتفرمی می‌شود و همین موضوع می‌تواند رقابت را کاهش دهد و ساختار بازارها را تغییر دهد.

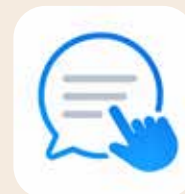


یافته‌های کلیدی کتاب

- داده یک عامل تولید مستقل در اقتصاد مدرن است.
- شرکت‌ها از داده برای پیش‌بینی و کنترل رفتار بازار استفاده می‌کنند.
- داده باعث ایجاد بازده فزاینده و تمرکز قدرت در شرکت‌های بزرگ می‌شود.
- اقتصاد دیجیتال بر چرخه تولید و بازتولید داده بنا شده است.
- داده عدم قطعیت را کاهش می‌دهد و تصمیم‌گیری اقتصادی را تغییر می‌دهد.
- ساختار رقابت در بازارهای دیجیتال نسبت به اقتصاد سنتی متفاوت است.
- سیاست‌گذاری اقتصادی باید نقش داده را در قدرت بازار در نظر بگیرد.

“

این کتاب توسط انتشارات دانشگاه پرینستون در سال ۲۰۲۵ به زبان انگلیسی منتشر شده است. این اثر در ادبیات اقتصاد داده و اقتصاد پلتفرمی به عنوان یکی از منابع جدید و مهم معرفی شده و در تحلیل‌های دانشگاهی اقتصاد دیجیتال مورد استناد قرار گرفته است.



منبع



press.princeton.edu



اتحاد بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

